



## حضرت عبدالعظیم (ع) مرجع امور شرعی شیعیان در شهری

آنچه در تقویم رسمی کشور آمده امروز چهار ربیع الثانی مصادف با سالروز ولادت حضرت عبدالعظیم و هفته تکریم ایشان است.

آنچه در تقویم رسمی کشور آمده امروز چهار ربیع الثانی مصادف با سالروز ولادت حضرت عبدالعظیم و هفته تکریم ایشان است.

به گزارش خبرنگار مهر، چهارم ربیع الثانی در تقویم کشور به نام سالروز ولادت حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) نام گذاری شده است. شخصیت برجسته و امامزاده جلیل القدری که در میانه عمر خود به ایران عزیمت کرد و در شهری سکونت یافت. او که از بزرگان زمان خویش بوده و از آنجا حضور چند امام را درک کرده از احترام ویژه ائمه هدی برخوردار بوده است. احمد بن محمد بن خالد برقی می گوید: عبدالعظیم علیه السلام در حال بیم و فرار از خلیفه وقت به عنوان پیک و نامه رسان وارد شهر ری شده و در محله سکه الموالی درون سرداب منزل یکی از شیعیان مخفیانه ساکن شد، آن حضرت روزها را روزه می داشت و شب ها را مشغول عبادت بود و گاهی نیز از منزل مخفیانه خارج می شد و قبری را که در مقابل قبر اوست زیارت می کرد و می فرمودند این قبر یکی از فرزندان امام موسی بن جعفر علیه السلام است. (که همان حمزه بن موسی علیه السلام است) به تدریج شیعیان از وجود آن حضرت به عنوان نماینده امام علیه السلام با اطلاع شده و جهت حل مشکلات دینی خود به وی مراجعه می نمودند و تنها او را نماینده امام می شناختند و از جایگاه علمی و اصل و نصب او اطلاعی نداشتند تا این که پس از مدتی آن بزرگوار بیمار شده و از دنیا رفت.

شرحی از زندگینامه حضرت

نسب حضرت عبدالعظیم حسنی به چهار واسطه به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می رسد. شیخ مفید رحمه الله می نویسد: زید بن حسن علیه السلام متولی صدقات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بود. زید بزرگترین فرزندان امام حسن علیه السلام بود، زید مردی کریم الطبع، شریف النفس، کثیرالخیر بود. زید را شعرا مدح بسیاری گفتند و مردم از اطراف و اکناف برای نیل به فضل زید می آمدند.

عزیزالله عطاردی در کتاب زندگانی حضرت عبدالعظیم می نویسد: از تاریخ ولادت حضرت عبدالعظیم اطلاعی در دست نیست و در مصادر ترجمه او از این موضوع ذکری به میان نیامده، ما هرچه در این مورد تحقیق کردیم به این مطلب برخوردیم، ولی آنچه مسلم است وی در زمان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام حیات داشته است.

شیخ صدوق از حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام روایت می کند که فرمود: من نزد حضرت امام علی النقی علیه السلام رفتم، همین که چشم آن حضرت به من افتاد فرمود: مرحبا بک. ای ابوالقاسم! حقا که تو ولی و دوست ما هستی.

من گفتم: یا بن رسول الله! من می خواهم عقیده و دینم را به شما عرضه کنم. چنانچه این عقیده و دین من بر حق باشد بر آن باقی بمانم تا آن موقعی که خدا را ملاقات نمایم؟

حضرت امام علی النقی علیه السلام به من فرمود: بگو!

من گفتم: عقیده من این است: حقا که خدای تبارک و تعالی یکی است، چیزی مثل او نیست، از حد ابطال و تشبیه خارج است، خدا جسم، صورت، عرض و جوهر نیست، بلکه آفریننده اجسام و صورتها و خالق اعراض و جواهر، مربی و مالک و برقرارکننده و ایجاد کننده هرچیزی است.

عقیده من این است که حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم بنده و رسول خدا است، خاتم پیغمبران است و تا روز قیامت پیغمبری بعد از او نخواهد بود، شریعت آن حضرت آخرین شریعت است و تا روز قیامت شریعتی بعد از شریعت آن بزرگوار نخواهد بود.

عقیده من این است که امام و خلیفه و وصی بعد از پیغمبر اکرم حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام است و بعد از آن بزرگوار: حسن، حسین، علی بن الحسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی و تو خلفای پیغمبر هستید.

در همین موقع بود که امام علی النقی علیہ السلام فرمود: بعد از من پسر من حسن امام است، مردم نسبت به خلیفه بعد از حسن چه خواهند کرد؟!

گفتم: از چه لحاظ؟

فرمود: از این لحاظ که او دیده نخواهد شد و حلال نیست که نام او را ببرند تا آن موقعی که خروج کند و زمین را پر از عدل و داد نماید آن طور که پر از ظلم و ستم شده باشد.

گفتم: من هم اقرار کردم و می گویم: دوست آنان دوست خدا و دشمن آنان دشمن خدا است. طاعت ایشان طاعت خدا و نافرمانی ایشان نافرمانی خدا خواهد بود.

عقیده من این است که معراج پیغمبر اکرم، سوال در قبر، بهشت، جهنم، صراط و میزان بر حق است. قیامت خواهد آمد و تردید در آن نخواهد. هرکسی که در قبر باشد خدا او را برانگیخته خواهد کرد.

عقیده من این است که فرایض (یعنی واجبات) بعد از ولایت علی و فرزندانش عبارتند از: نماز، روزه، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر.

امام علی النقی علیہ السلام به حضرت عبدالعظیم فرمود: به خدا قسم این همان دینی است که خدا برای بندگانش پسندیده است، خدا تو را در دنیا و آخرت به قول ثابت نگاه دارد.

سفر به ایران

راجع به این که عبدالعظیم علیہ السلام در چه زمانی و مکانی با امام علی النقی علیہ السلام ملاقات کرد. و عقاید خود را به عرض آن حضرت رسانیده است اطلاعی در دست نویسندگان نیست ولی بعضی این احتمال را می دهند که این ملاقات و عرض عقیده در سامرا اتفاق افتاده باشد.

بنابراین که این عرض عقیده در سامراء بوده است، از قرائن معلوم است که چون حضرت امام علی النقی علیہ السلام در تحت نظر بوده و در موقعی که حضرت عبدالعظیم عقاید خود را به عرض آن حضرت رسانده و آن بزرگوار را با پدران و فرزندان امام بر حق و مفترض الطاعه می دانسته مأمورین خلیفه عقاید و گفته های حضرت عبدالعظیم حسنی را برای خلیفه نقل می کردند.

لذا خلیفه که متوکل بود. دستور توقیف و بازداشت حضرت عبدالعظیم را صادر کرد. وقتی حضرت عبدالعظیم حسنی علیہ السلام از فکر و تصمیم دستگاه خلیفه اطلاع یافت و فهمید که مأمورین خلیفه در تعقیب و دستگیری او می کوشند لذا از دست آنان فراری و متواری گردید، خود را در شهرها و قریه ها و قصبات از انظار پنهان می کرد و در انجمن و مساجد و محافل عمومی شرکت نمی کرد، در همین حال که به طور پنهانی در گردش بود وارد شهر ری شد.

عمادزاده در جلد دوم زندگانی حضرت موسی بن جعفر علیہ السلام صفحه ۳۹۰ می نویسد:

حضرت عبدالعظیم علیہ السلام در سنه ۲۵۰ هجری از سامراء به طرف ایران هجرت کرد.

زمانی که حضرت عبدالعظیم حسنی علیہ السلام وارد شهر ری گردید در منزل یکی از شیعیان مسکن گرفت، در آنجا مخفیانه به سر می برد، بسیار احتیاط می کرد، همین که شیعیان این شهر از ورود آن حضرت با خبر شدند مخفیانه با آن بزرگوار آمد و رفت می نمودند. حضرت عبدالعظیم در این محل و در میان شیعیان اهل بیت موقر و محترم بود و آنان مسائل شرعی و احکام دین خود را از آن حضرت می پرسیدند.

از حدیث ابوحامد رازی از حضرت هادی معلوم می شود حضرت عبدالعظیم در این شهر مصدر امور شرعی بوده و از امام هادی علیہ السلام هم اجازه داشته است.

علامه مجلسی در مزار بحار از برقی روایت می کند که حضرت عبدالعظیم حسنی علیہ السلام در شهر ری در منزل یکی از شیعیان در سردابی منزل کرده بود، روزها روزه می گرفت و شب ها به عبادت خدا مشغول بود. گاهی به طور مخفیانه به زیارت آن

قبری که فعلاً مقابل قبر خود آن حضرت قرار دارد می رفت و می فرمود: این قبر یکی از فرزندان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است و ظاهراً منظور آن حضرت همین قبر حمزة بن موسی بن جعفر بوده است.

#### فضائل حضرت عبدالعظیم

ابن قولویه در کامل الزیارات (باب ۱۰۷ ص ۳۲۴) از علی بن حسین بن موسی بن بابویه و او از محمد بن یحیی اشعری عطار قمی روایت کرده یکی از اهالی ری گفت بر حضرت ابوالحسن العسکری امام هادی علیه السلام وارد شدم آن جناب از من پرسید کجا بودی؟ عرض کردم به زیارت سیدالشهداء رفته بودم آن حضرت فرمود بدان و آگاه باش اگر قبر عبدالعظیم حسنی علیه السلام را که در نزد شما است زیارت کرده بودی مثل آن است که حضرت حسین بن علی علیه السلام را در کربلا زیارت کرده باشی.

شد طواف مرقدش هم پایه با قبر حسین / زائر او زائر حق است بی تشویش و بیم

صاحب بن عباد در رساله خود می نویسد: شخصی از اهالی ری به نام ابوحماد رازی می گوید: خدمت حضرت هادی علیه السلام رسیدم و از آن جناب مسائلی را پرسیدم، هنگامی که اراده کردم از محضر ایشان بیرون شوم؛ فرمودند: هرگاه مشکلی در دینت برای تو پیش آمد آن را از عبدالعظیم حسنی که در نزد شماست بپرس و سلام مرا هم به او برسان.

ابونصر بخاری از ابوعلی محمد بن همام از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت کرده که در نزد آن جناب از عبدالعظیم حسنی علیه السلام صحبت به میان آمد فرمود اگر نبود عبدالعظیم علیه السلام می گفتم علی بن زید بن حسن بلاعقب است و فرزندی از خود باقی نگذاشته. در واقع به فرموده امام معصوم علیه السلام آن حضرت باعث افتخار و مباهات فرزندان زید بن حسن بن علی علیه السلام می باشد.

برگرفته از کتاب: شناخت نامه حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام و شهر ری: مجموعه رساله های خطی و سنگی پیرامون حضرت